

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پپه اسکوبار
برگردان: جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۰۱ اکتوبر ۲۰۲۴



Pepe Escobar

ملل متحد از غزه حمایت نمی‌کند، اما می‌تواند «پیمان آینده» را تصویب کند؟

پپه اسکوبار: سازمان ملل به یک تقلید مضحک از خودش تبدیل شده است.



(Photo Credit: The Cradle)

سازمان ملل متحد به یک تقلید مضحک از خودش تبدیل شده است. در حالی که رهبران جهان این هفته در نیویورک گرد هم آمدند، غزه، لبنان و فلسطین در دستور کار نبودند، اما پیمانی که امریکا برای حفظ «نظم مبتنی بر قواعد» به زور تصویب کرده بود، در صدر قرار داشت.

ناتوانی و عدم تمایل سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن در متوقف کردن یک نسل‌کشی که به صورت زنده پخش می‌شود، این نهاد را فراتر از هر گونه امکان اصلاح، بی‌اعتبار کرده است. هر قطعنامه جدی که بتواند پیامدهای جدی برای روان‌پریشی مرگبار اسرائیل به همراه داشته باشد، در گذشته، حال و آینده در شورای امنیت سازمان ملل متحد مسدود شده است.

این هفته در نیویارک، درست پیش از هفتاد و نهمین اجلاس مجمع عمومی، شاهد صحنه‌ای سوررنال بودیم که در آن سران کشورها برای ایراد سخنرانی‌های بلندپروازانه خود در تریبون مجمع عمومی گرد هم آمدند. کشورهای عضو سازمان ملل متحد «پیمان آینده» را با ۱۴۳ رأی موافق، تنها ۷ رأی مخالف و ۱۵ رأی ممتنع تصویب کردند. البته جزئیات مهم است: چه کسی این پیمان را طراحی و تصویب کرده؟ چگونه به صدر دستور کار رسید در حالی که جهان در حال سوختن است؟ و چرا بوی یک توطئه بزرگ به مشام می‌رسد؟ دستگاه تبلیغاتی سازمان ملل با خوشحالی اعلام کرد که «نتیجه کلیدی اجلاس آینده یک فرصت یکبار در نسل است که بشریت را به سمت مسیر جدیدی برای آینده مشترک هدایت کند.» زبان خوبی است، اما باید صریح باشیم، این هیچ شباهتی به مفهوم فلسفی و فراگیر چینی «جامعه با آینده مشترک برای بشریت» ندارد. این بیشتر شبیه آینده مشترکی است که توسط الیگارش‌های آتلانتیکی که «باغ» خوانده می‌شود، تصور شده و تنها احکام برای «جنگل» صادر می‌کند.

چین، روسیه و ایران چگونه رأی دادند؟

دیمیتری پولیانسکی، معاون اول نماینده دائمی روسیه در سازمان ملل متحد، این ابتکار را به خوبی خلاصه کرد: «سازمان ملل متحد از اصول خود تخطی کرد تا به گروهی از نمایندگان «باغ زیبا» توجه نشان دهد، که از همان ابتداء مذاکرات را عصب کرده بودند و اکثریت از «جنگل»، مانند یک گله، جرأت اعتراض و دفاع از حقوق خود را نیافتند. آنها مسؤول پیامدها خواهند بود.» برخی از دیپلمات‌ها، که بدون ذکر نام صحبت کردند، با شگفتی تأیید کردند که در واقع هیچ مذاکرات جدی قبلی وجود نداشت و این پیمان با اجماع تصویب شد، در حالی که تنها گروه کوچکی از هفت کشور از «جنگل» تلاش کردند تا مقاومتی کنند و متن آماده‌شده را رد کردند و در افزودن اصلاحات در لحظه آخر ناکام ماندند. حتی رئیس جدید مجمع عمومی سازمان ملل متحد، فیلمون یانگ، تلاش کرد کاری انجام دهد. مخالفان پیشنهاد دادند که یانگ رأی‌گیری را به تعویق بیندازد تا همه مفاد توافق شوند – به‌ویژه موارد مربوط به خلع سلاح و نقش مداخله‌گر ایانه سازمان‌های غیردولتی در کار کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد. اما «باغ» فشار کامل را اعمال کرد تا این پیمان را به تصویب برساند و مخالفان خیلی کم و خیلی دیر عمل کردند. برخی از دیپلمات‌های افریقائی بدون ذکر نام اظهار کردند که کشورشان با پیمان مخالف بوده، اما «از روی همبستگی» رأی داده‌اند. این رمز برای تحت فشار قرار گرفتن یا حتی رشوه گرفتن از سوی «باغ» است. و اکنون به نکته اصلی می‌رسیم: هم روسیه و هم ایران به این پیمان «نه» گفتند. و چین رأی ممتنع داد. به طور خلاصه، سه کشور مهم تمدنی، که از قضاء محور اصلی ادغام اوراسیا و شاید مهم‌ترین اعضای بریکس هستند، پیمان ساخته‌شده توسط باغ را رد کردند. دلیل اصلی ناگفته این است که این پیمان در نهایت علیه بریکس و ظهور قطب دوم جهانی است.

یک سرخ واضح در این پیمان، چندین اشاره مستقیم به «نظم بین‌المللی مبتنی بر قواعد» است، که این خود شعار هژمون است. این پیمان به‌طور ماهرانه‌ای طراحی شده تا کشورهای تمدنی برتر را منزوی کند و بریکس را از درون بشکند: سیاست کلاسیک «تفرقه بینداز و حکومت کن» اما پیمان واقعی برای آینده اکثریت جهانی بزودی به طور جدی مورد بحث قرار خواهد گرفت – نه در سازمان ملل متحد، بلکه در اجلاس سالانه بریکس در قازان در ماه آینده.

غزه چه؟

با وجود این که ساختمان سازمان ملل متحد میزبان بزرگترین گروه از رهبران جهان در سال جاری است، هیچ اقدامی در مورد نسل‌کشی در غزه و گسترش جنگ اسرائیل به لبنان انجام نمی‌شود. این بی‌عملی حیرت‌آور در مورد بحرانی‌ترین مسأله بشردوستانه جهان حتی باعث حیرت برخی از دست‌نشانندگان «باغ» در خلیج فارس شده است، کسانی که معمولاً در بیشتر موارد به دیکته‌های امریکا تمکین می‌کنند.

دکتر عبدالعزیز العویشگ، معاون دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس (GCC) در امور سیاسی و مذاکرات، حتی سرمقاله‌ای نوشت که به توهم جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا اشاره دارد، که ادعا کرده «نظام بین‌المللی در حال کار است و به‌ویژه ایالات متحده آن را حفظ می‌کند» – تنها رئیس‌جمهوری که امسال چنین ادعائی در تریبون مطرح کرد. او در ستون خود با عنوان «آخرین سخنرانی ناقص بایدن در مجمع عمومی سازمان ملل متحد» می‌نویسد: «در جلسه‌های سطح بالائی که این روزها در نیویارک برگزار می‌شود، مانند "اجلاس آینده"، شرکت‌کنندگان توافق دارند که سیستم سازمان ملل شکسته و نیازمند اصلاح یا حتی بازسازی است.» او اضافه می‌کند:

«از دید یک ابرقدرت دارای حق و تو، سیستم کار می‌کند. می‌تواند هر اقدامی را که دوست ندارد متوقف کند و با تصمیماتی که از آن راضی است، همراه شود. چه چیزی بهتر از این؟ اما دنیا از دید پناهجویان بی‌دفاع در غزه، که در میان ویرانه‌های خانه‌هایشان جمع شده‌اند، تعداد زیادی از اعضای خانواده خود را از دست داده‌اند و هر لحظه ممکن است توسط نیروی نظامی بسیار برتری کشته شوند، متفاوت به نظر می‌رسد؛ نیروئی که نه توسط سازمان ملل متحد مهار می‌شود و نه توسط قدرتمندترین اعضای آن حمایت می‌شود.»

سازمان ملل متحد به ضمیمه‌ای از داووس تبدیل شده است

کل ساختمان سازمان ملل در شهر نیویارک اکنون به یک تندیس از ناامیدی و بدبینی تبدیل شده است، زیرا برای هر دیپلماتی واضح است که نسل‌کشی در غزه و اکنون گسترش آن به لبنان، کاملاً مورد حمایت سندیکای جنائی غرب، به رهبری صهیونیسم انگلو-امریکائی، قرار دارد.

در این زمینه، هر رأی در سازمان ملل متحد باید بی‌اهمیت تلقی شود. کل ساختار سازمان ملل باید بی‌اهمیت تلقی شود. این پیمان باید با احتیاط خوانده شود. این پیمان مجموعه‌ای کلیشه‌ئی از کلمات است که ترکیبی از سیگنال‌دهی مجازی بی‌حد و حصر با تکرار سیاست‌های قدیمی از توافقات مرده‌ای مانند توافق تجاری دوره اوباما (TPP) و یک برنامه جهانی دیجیتالی است که در ابتداء توسط دولت‌های المان و نامیبیا تهیه شده بود.

با این حال، نویسندگان واقعی آن همان مظنونین همیشگی هستند: شرکت‌های بزرگ فناوری و شرکت‌های بزرگ مالی، مجریان «نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین»

این آینده‌ای که برای بشریت در نظر گرفته شده -خلاف روحیه کمونیست چینی - تجلی انقلاب صنعتی چهارم است که مستقیماً از باند داووس، مجسم شده توسط مجمع جهانی اقتصاد (WEF) ، بیرون آمده است.

اینها بازیگرانی هستند که مذاکرات قبلی را، که عملاً وجود نداشت، نظارت کردند، مذاکراتی که به توافق همکاری سرنوشت‌ساز بین سازمان ملل متحد و مجمع جهانی اقتصاد (WEF) که در جولای ۲۰۱۹، چند ماه قبل از دوران کرونا، امضاء شد، برمی‌گردد.

این توافق‌نامه، همان‌طور که تحلیل‌گر پیتر کونینگ اشاره کرده، «غیرقانونی» است، زیرا «سازمان ملل متحد نمی‌تواند با سازمان‌های غیردولتی قرارداد ببندد اما در جهانی مبتنی بر نظم مبتنی بر قواعد، این امر عملاً بی‌اهمیت است.» در واقع، این توافق‌نامه سازمان ملل متحد را به عنوان صرفاً ضمیمه‌ای از داووس تعریف می‌کند.

پس، به دنیای دیستوپیایی خود خوش آمدید، که اکنون حتی روی کاغذ هم ثبت شده است. البته نه روی کاغذ؛ متأسفانه کاغذ دیگر خیلی قدیمی است: حالا همه چیز در قالب اسکریپت دیجیتال است.

آیا راهی برای خروج وجود دارد؟ بله. مقاومت جهانی، به تدریج، در حال شکل‌گیری به‌عنوان یک نیروی منسجم بین‌قاره‌ای است که بخش زیادی از نفوذ و عمق آن به دلیل نقش فزاینده چین است. کشورهای بریکس مصمم هستند که گره‌های قدرتمند و به‌هم‌پیوسته‌ای را ایجاد کنند که بتوانند اکثریت جهانی را به سمت آینده‌ای عادلانه، قابل‌زیست و غیردستوپیایی هدایت کنند. همه نگاه‌ها به اجلاس بریکس در قازان در اکتوبر دوخته شده است.

۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴